



تقی زاده و صاحب نسق

(۲)

۴- پاریس ۱۲ نوامبر ۱۹۰۸

قربانت شوم خطاب به هر دو بزرگواران است هیچ مطلبی که قابل عرض باشد ندارم. من خود هم همینقدر در کمال اختصار اظهار ارادت نموده و ضمناً احوال پرسی نمایم و عرض کنم امیدوارم که همه وقت در هر جا هستید خوش و خرسند و سلامت باشید. چند شب قبل جناب احمد رضاییک آرا در انجمن اخوت اسلامیة پاریس ملاقات کردم. مجال نشد و فرصت به دست نیامد که بعضی صحبتها با ایشان بکنم، در همین امروز و فردا به لندن خواهد آمد. اما نمی دانم در کجا منزل خواهد کرد و نمی دانم بیتابعالی در لندن یا در کامبریج تشریف خواهید داشت. اگر به لندن تشریف بردید می توانید از سفارت عثمانی آدرس ایشان را بخواهید و گمان می کنم ایشان را ملاقات نموده و بساطت قرار دوستانه بگذارید یعنی اتحاد و اتفاق ایشان را بطلبید و ایشان متعهد در کمک و همرای با ایرانیان بشوند بسیار خوب است، از طرف اسلامبول عثمانیها می توانند انواع مدد و معاونت را باما بکنند. ۳

نمی دانم جنابعالی تازه چه اقداماتی کرده اید. یقین است که بیسار نخواهید ماند. اما بدبختانه ایرانیهای اینجامثل اموات می مانند. یعنی هیچ حس و حرکت ندارند. خدا

* آقای ایرج افشار رئیس دانشمند و صاحب نظر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

گواه است که ما اهل ایران در تمام دنیا رسوا بودیم و شمه کس فهمید که عدم ایرانیها بهتر از وجودشان است . تنهایک آذربایجان و مردم تبریز کاری از پیش بردند که اسم ایرانی بکلی محو نشد !

دیروز در روزنامه «اکار» از جمله مطالب نوشته بود حاکم ارومی (نمی دانم کیست) گویند امام قلی میرزا باشد مردم ارومی را جمع کرده و خطابه ذکر نموده و گفته است آرام باشید و ساکت بنشینید ، در پی آشوب و شورش نباشید و الا من از میان شماها می روم و شمارا به حال خود وامی گذارم !

خبر دیگری اینکه یکی از علمای کربلا (نمی دانم کدام) مرده و شاه حکم داده دکاکین را یک هفته ببندند و در همه جا رسوم عزاداری را مجری نمایند . برای اینکه جلب خاطر از علما بنماید ! خیلی غریب است . باری چون اخبار اینجا از روی اخبار لندن است دیگر بیش از این لازم به خبرنگاری نیست .

یک روزنامه الهلال مدتی قبل رسید گمان کردم متعلق به جناب حاجی میرزا آقاست لهذا نزد ایشان فرستادم . بعد از مدتی که دانستم به جناب عالی تعلق دارد به ایشان اطلاع دادم . ایشان قراردادند که بدهند . هنوز نداده اند . به خودم فرستاد .

کاتالک را دیروز بایست ارسال داشتم . اگر آرتیکلی در روزنامه های آنجا متعلق به ایران بنویسید یا دیگری بنویسد برای بنده ارسال دارید خیلی تشکر می نمایم .

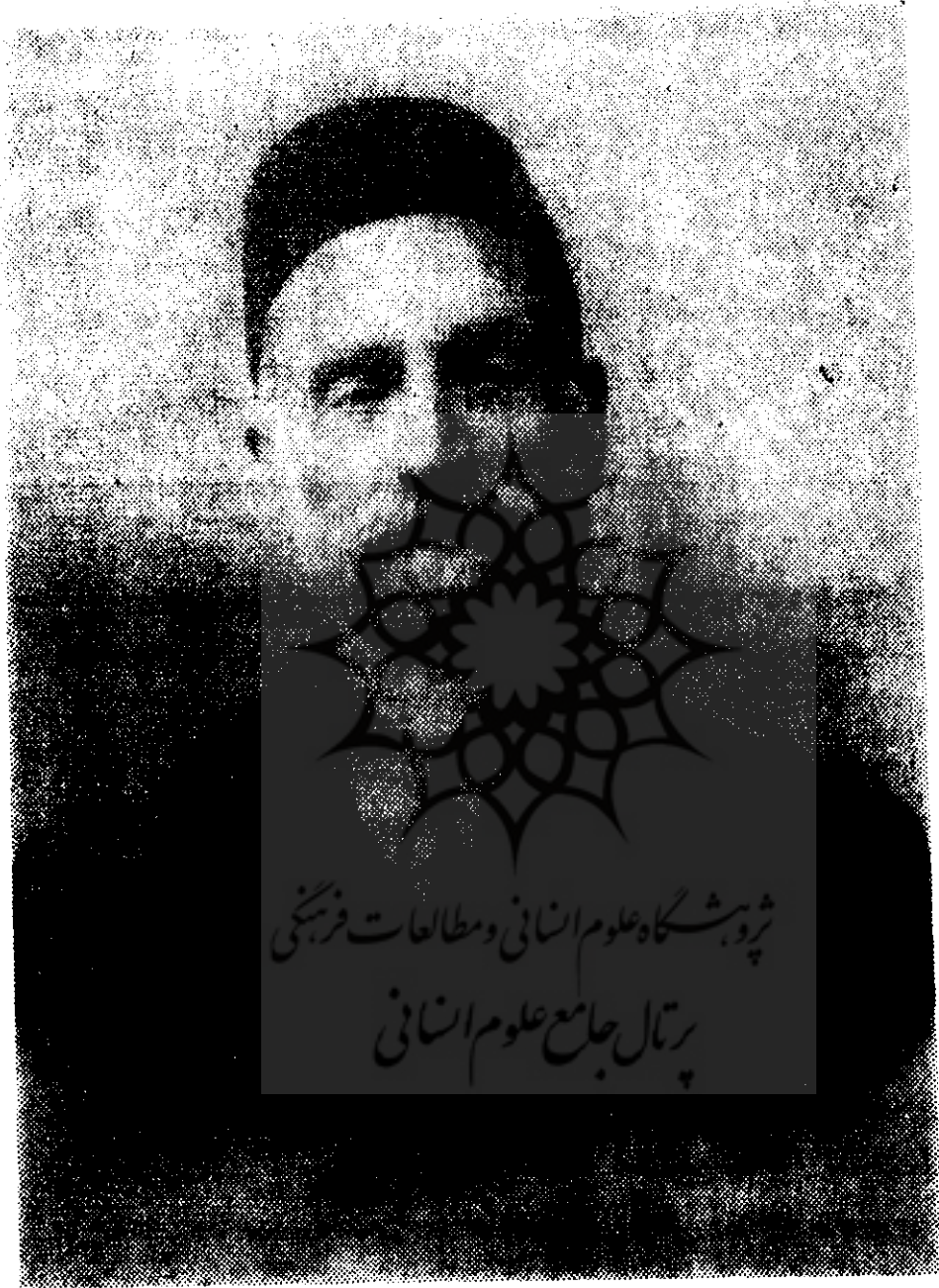
چند آرتیکل که جناب موسیوی برون برای جناب آقامیرزا محمدخان^۴ فرستاده بودند همه را به بنده داده و بنده در کتابچه خود چسباندم .

زیاده عرضی نیست ، سلامت و جوده مبارک هر دورا از خداوند خواهانم . ارادت مند ،

صاحب نسق

اتفاقاً در همین ایام که به لطف آقای دکتر حسین پیرنیا استاد دانشگاه طهران اوراق و نامه های بازمانده از پدرشان (مرحوم معاضد السلطنه پیرنیا)^۵ می نگریستم به دو نامه از صاحب نسق به معاضد السلطنه و یک قسمنامه مهم که امضای صاحب نسق هم پای آن است برخوردیم .

نامه اول از پاریس در دو صفحه مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۰۸ عنوان معاضد السلطنه و به نشانی او در «الوردون» و در جواب نامه ای است که معاضد السلطنه به او نوشته بوده است . در این نامه می گویند از اینکه برای خریدن حروف مطبعه به استانبول رفتید خوشحال شدم . در دنبال آن می نویسد: «و اتعآو حقیقه دره میان این همه ایرانی و بقول خودشان وطن پرست بنده سه نفر را دیدم که از روی حس و عنوی و درد باطنی سعی کوشش در آزادی ایران می-



محمد صادق صاحب نسق

نمایند یکی بندگان عالی و دیگر جناب آقای تقی زاده وسیمی جناب ممتازالدوله است...
بعثیده بنده تمام ایرانیهای خارجه هیچ کاری نمی توانند بکنند جز اینکه پول بدهند و روزنامه فارسی
و فرانسه بنویسند و به اطراف ایران بپراکنند و همچنین آدمها از هر سمت گسیل نمایند...»
نامه دوم مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۰۸ و خطاب به معاضد السلطنه که به الوردون ارسال
شده بوده است ولی دهخدا آن را به آدرس میرزا محمدخان به پاریس فرستاده بوده است
تا به دست معاضد السلطنه برسد. در آن آمده است :

«مجلس اینجا هنوز ناتمام است. یعنی کاغذها نوشته و برای همه فرستاده اند که همه
آن را امضا کنند. جمعی که اینجا بودند امضا کردند. یعنی راضی شدند در بین دولت و
ملت اصلاح شود به شرط آنکه مجلس شورای ملی مثل سابق داده شود و چون این شرط
دولتیان قبول نخواهند کرد لهذا مطلب ناچیز و معدوم خواهد شد. عقلاً این است که
مجلس را ملت به زور بگیرد نه به خواهش. پس باید اول ملت را بیدار و حاضر کرد و بعد مقصود
را حاصل نمود...»

مراد صاحب نسق از عبارت «کاغذها نوشته و برای همه فرستاده اند» ظاهر آشروحه ای
است که در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸ به صورت نامه دسته جمعی به امضای عده ای از سیاسیون
مقیم پاریس تهیه شده است و مربوط است به وقتی که بیم حمایت روس و انگلیس از شاه
می رفت و جمعی از ملیون معتقد بوده اند که محمدعلی شاه را بهتر است ملت حمایت کند نه
دولت خارجی. متن آن چنین است :

۲۲ دسامبر ۱۹۰۸ - البته خاطر مبارك از اخبار و وقایع اخیره ایران مطلع است
و این نکته را در روزنامه جات ملتفت شده اند که شاه برای اعاده مشروطیت در حفظ جان و
تخت و تاج خود اطمینان و ضمانت از دولتین روس و انگلیس خواسته. البته خوب است که
این ضمانت از طرف امنای ملت بشود. پس لازم است در این موقع در موجبات صلحی که
خدمت مملکت و صلاح وقت باشد اقداماتی به عمل بیاید که حفظ منافع ملت و تأمین خاطر
مبارک شده باشد.

در مقدمه این کار به نظر مخلصان رسیده که بعد از مشورت حضوری و منطبق آراء
تلگرافی به امضای جماعت به حضور مبارك اعلی حضرت همایونی خلداله ملکه بشود که
اسباب تأمین خاطر مبارك بوده معلوم باشد که در تشکیل مجلس و حفظ قانون اساسی و اعاده
حقوق ملت تخت و تاج سلطنت محفوظ خواهد ماند. گمان مخلصان است که در همراهی
این مقدار اقدام مضایقه نفرمائید و از برای انجام این مقصد برای اول ماه ژانویه که شش
روز دیگر است در پاریس حاضر شویم و آنچه صلاح وقت است تلگرافاً معروض داریم. مسلماً
اگر نفعی نکند خبری نخواهد داشت. خواهش جواب فوری داریم. زیاده عرضی نیست.

علیقلی (سردار اسعد) - دبیر الملک^۷ مهدینلی مخبر السلطنه هدایت - العبدشکر الله (معمد خاقان)^۸ - اسمعیل ممتاز الدوله^۹ - میرزا آقا حسین زاده (حاجی میرزا آقا وکیل) .
اگرچه امضای دکتر خلیل خان ثقفی ذیل مشروحه نیست ولی در صفحه روبروی آن مشروحه که اسامی امضاء کنندگان به خط صاحب نسق نقل شده است نام دکتر خلیل هم آمده است.

- ۱ - یعنی تقی زاده و میرزا محمد علی خان تربیت.
- ۲ - احمد رضا بیک از اهالی عثمانی بود و از رجال آزادیخواه آنجا ولی درین اوقات در اروپا بود و ایرانیان با او در تماس بودند .
- ۳ - نگاه کنید به نامه تقی زاده به ستارخان که در مجله ینما چاپ کرده ام.
- ۴ - میرزا محمد خان قزوینی که حاجت به معرفی ندارد .
- ۵ - ابوالحسن معاضد السلطنه (پیرنیا) یکی از نمایندگان مجلس دوره اول بود که پس از توپ بستن مجلس به دستور محمدعلیشاه از ایران تبعید شد. او با کمک قلمی علی اکبر دهخدا در شهر ایوردون (سویس) به انتشار صور اسرافیل پرداخت و جز آن کانونی را در آن شهر برای مبارزه با محمد علی شاه تأسیس کرد .
- ۶ - مطابق ۲۸ ذی القعدة ۱۳۲۶
- ۷ - میرزا حسین خان شیرازی است که به سبب دوستی با سردار اسعد در مجلس دوم به نمایندگی انتخاب شد و بعدها در کابینه مستوفی الممالک وزیر پست و تلگراف بود . (رجال صدر مشروطیت)
- ۸ - بعدها لقب قوام الدوله گرفت . او پسر حاجی محمد حسین خان صدر الدوله اصفهانی است و از پیشخدمتهای مظفرالدین میرزا در تبریز بود ولی در عهد محمد علی شاه . مورد توجه نبود و چون پیش از بستن مجلس به امر محمد علی شاه به فرنگستان تبعید شده بود در صف آزادیخواهان قرار گرفت و به مبارزان پیوست در دوره مجلس دوم به وزارت تجارت و بعد از آن به حکومت استهبان و وزارت فوائد عامه منصوب شد . (رجال صدر مشروطیت)
- ۹ - ممتاز الدوله از مردم آذربایجان و از دوره اول وکیل مجلس و در موقع مبارزه با محمدعلیشاه مجلس رئیس آنجا بود. در دوره استبداد صغیر در اروپا بود و در مجاهدات و مبارزات ضد محمدعلیشاه مجدانه شرکت داشت .